

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

وحید تاجیک

۳۱ مارچ ۲۰۱۵

## فرخنده نماد مظلومیت "زن" در جامعه ما

بی پرده خدمت شما بیان می کنم که ، این حادثه و جنایت بی نظیر در برابر «فرخنده»، من را در شرایطی قرار داده - که پژواک هولناک شکستن باور های خود را تا اعماق روح و روان احساس می کنم . پنهان کردن و نگفتن را دور از انسانیت - جوان مردی و خیانت به فرخنده به عنوان نماد مظلومیت "زن" در جامعه خود می دانم.

در شرایطی که فقر و گرانی نفس مردم را برید ه، بیکاری جوانان را به ستوه آورده و به سوی اعتیاد سوق می دهد، اعتیاد نه تنها تاب و توان که عزت و شرف شان را درو می کند، که فحشاء و تن فروشی برای تعداد زیادی از زنان و نوجوانان به شغل بدل شده است، از طرفی سبعیتی که طالبان - دیگر دهشت افگنان در کشتار از خود نشان می دهند.

ربودن مسافران و اجساد شکنجه شده و تکه پاره و طناب پیچیده مسافران راه قندهار کابل، غوربند، هزاره جات ... که به جرم تعلق نداشتن به تروریستها، سرباز بودن ، خبرنگار بودن، معلم بودن، ریش نداشتن ... مرتباً در سراسر کشور و به ویژه در این مسیر ها یافت می شوند، به اضافه حملات انتحاری و ترس از آینده که اکثریت را چنان وحشت زده، غمگین و افسرده ساخته که از نشاط و سرزندگی بدون ترس و وحشت هیچ خبری نیست...

حالا در کنار همه این بدبختی ها و گرفتاری ، گروهی از افراد مذهبی نما با شیوه لباس پوشیدن، راه رفتن و سخن گفتن خاص ، با تعصبات خشک ، واپسگرا، بی سواد و در عین حال دچار عقده های خود بزرگ بینی، که با منطق و استدلال و پژوهش علمی کاملاً بیگانه می باشند و تراوش های ذهنی حضرات حتی از " باور "های خودشان جز پرت و پلا چیزی نیست، که فقط در انتظار آن هستند که "خداوند عزو جل" بر اثر دعا و ثنای آنان در رحمت را بگشاید و این (لت های سلطان غزنوی) بدون کوچکترین فعالیت و شایستگی به زندگی خود ادامه دهند. این جماعت تنبل و بیکاره باکمال خشونت سرگرم سرکوبی و در هم کوبیدن هر نوع فکر -اندیشه - جنبش و حرکت و آدم هائی که شبیه خود شان نیست بوده ، و تمام هم و غم و تکلیف و مسؤولیت شان این است که مبادا چند عدد " زلف " خانمی از زیری روسری بیرون آید که در آن صورت گویا اسلام عزیز آنها به انحراف و خطر خواهد افتاد.

بیشتر مردم می دانند که اکثر بدبختی ها و عقب ماندگی ها و واپسگرائی های ما به واسطه خرافاتی است که این جماعت به نام دین به خورد ما مردم داده اند . از مردم سرافراز و سلحشور و پاک سرشت، مردمی درمانده، شکست خورده و زشت سرشت به وجود آورده اند که حالا در انتظار کمک و یاری «خیرات- صدقه -دستگیری» امریکا به سر می برند.

این جماعت با اعمال خود اکثریت مردم را از اسلام و دین بیزار کرده و این سؤال را در ذهنیت ها خلق نموده که ، این چه نوع دینی است که هیچ گونه طرح و برنامه برای بهبود زندگی و رفع مشکلات امروز ما ندارد که هیچ ، در ضمن باعث این همه بدبختی و سیه روزی و فقر و جهالت و جنگ و کشتار و عقب ماندگی ما شده است.

این متولیان تعصب و حماقت و پاسداران ظلم و شقاوت و مردمان سریع الانفعال و تنبل و ترسو، که از شنیدن نام " دین " به وجد و نشاط آمده و اشک از چشمانشان جاری می شود، آنقدر نادان و دستخوش اوهام و انباشت از پندارهای خرافی اند که در زاویه هر تخته سنگی جنی و شیطنانی در کمین خویش تصور می کنند ، و حاضر و آماده هر کاری هستند نه بخاطر " خدا " یا خلق خدا " بلکه گرفتن ثواب و رسیدن به آن بهشت برین و یا به خیال ایشان (\*لت خانه) و خوردن و خوابیدن که به گفته امام غزالی (به هر مؤمن پرهیزگاری تازه رسیده، خسته و گردآلود، از فشار قبر و سؤال و جواب نکیر و منکر، در قدم اول هفتاد هزارتا" حوری " داده می شود، که نوبت همخوابگی مؤمنان با هر حوری چهل سال به درازا می کشد).

باری ، روز پنجشنبه ۲۸ حوت هفته گذشته نه چرسی ها -نه قماربازها -نه اوباش و ارادل که جماعتی از این نوع مسلمان ها با وضوء -طهارت - پاک و تمیز -تسبیح های بلند در دست ، ریشدار و بی ریش جوان و پیر بعد از نماز جماعت آن هم به اصطلاح در زیارت گاه (شاه دو شمشیره) ناگهان یاد آن وعده های منحصر به فرد در بهشت برین این جماعت را برای کسب ثواب و رفتن به آنجا چنان وسوسه نموده که دیوانه وار " افسار " دریدند و دست به خشونت و جنایت زدند که نه داستان امام حسین و " کربلا - ژاندارک و نه صد ها داستان حزن انگیز دیگر را در همسانی با این... معذورم نمی دانم چی واژه به کار برم «نتوان گفت مصیبت ، فاجعه یا تراژیدی . این موجودات وحشی که «چیگین» \*های شاه عباس صفوی را رو سفید ساختن، دختری را، زنی را، و بالاخره انسانی را به جرم هیچ ، فقط اتهامی شولا پوشی شیطان صفتی " رجم " کردن " حد " زدن ، نه نه بیشتر از این ها کردند" هار " شده بودند . فرخنده را در پای خرافات خانه شاه دو شمشیره به نام " خدا " محمد" و قرآن " با فریاد های- الله اکبر -الله اکبر -الله اکبر وزنده باد اسلام و أشهد أن لا اله الا الله و أشهد ان محمد رسول الله - خون ریختند ، مثله کردند، کشتن و پوست کندند و سوزاندن و برهنه کردند و به دار آویختند و موتر از روی بدنش رد کردند . این یک جنون - وحشت - خرافات و اوج نادانی بود و این کشور با این مردم هیچ گاه روی آرامش نخواهد دید. تنها چیزی مقدس در عالم هستی فقط و فقط انسان است و بس، تمامی ارزشهای مادی و معنوی در ار تباط و خدمت به انسان می توانند معنا داشته باشند و بس، پس جواز آتش زدن و تکه - تکه کردن انسان را هر " دین " و " باوری " با هر دلیلی که داده باشد جنایت است و این " دین - " ایدئولوژی و تفکر بر اساس تجربه تاریخی دیر یا زود به زباله دان تاریخ خواهد پیوست.

---

(\*چیگین) : شاه عباس صفوی گروه جلادان مخصوص داشت که مجرمان را زنده زنده می خوردند

(\*لت خانه) : سلطان محمد غزنوی ساختمانهای داشت به نام ( لت خانه ) برای فقراء و ضعفاء و مستمندان و محتاجان با تمام وسایل وقت از قبیل غذا و دوا و جای خواب که بعداً پاتوق جای آدم های تنبل و بیکاره شده و برای سلطان یک درد سر.